



مهرآورد مهرت به دلم آتش زد

ماهنامه فرهنگی مذهبی

منجی

وابسته به کانون انتظار

دانشگاه اصفهان

شماره چهل و دوم

مهرماه ۱۴۰۳



معاونت فرهنگی اجتماعی

کانون فرهنگی انتظار



ماهنامه فرهنگي، اجتماعي، مذهبي «منجي»

صاحب امتياز: كانون انتظار دانشگاه اصفهان
@kanoon_entezar_esf

مدیر مسئول و سردبیر: مهدیه سادات موسوی

طراح جلد و صفحه آرا: محمد دهقان

ویراستار: زهرا زمانی نژاد

هیئت تحریریه:

سهیلا رضایی
سهیلا محمدی دوست
فاطمه محمدنیا
علی یگانه نسب
بهار آتشکار

۴
۶
۸
۱۰
۱۲

روی ما هم حساب کن.
آیا من نیز در روزگار آمدنت هستم؟
کتابی که باید بخوانیم
مثل کوه
نغمه‌های بیداری

فهرست

سرمقاله

شوق دیدار تو سر رفت ز پیمانه‌ی ما
کی قدم می‌نهی ای شاه به ویرانه‌ی ما
ما هنوز ای نفست گرم، پر از تاب و تبیم
سر و سامان بده بر این دل دیوانه‌ی ما
رفته‌ای پیش‌تر از این و یقین می‌بینیم
می‌دهی رنگ غزلواره به افسانه‌ی ما
جمعه‌ها جای تو خالی ست در این کنج خراب
به کجا مانده‌ای ای دلبر جانانه‌ی ما؟
چشم بگشا و بین در دل تاریک هنوز
آب شوری ست ز غم، رزق فقیرانه‌ی ما
راه عشاق تو پر سنگ و عطش، ای ساقی!
شوق دیدار تو سر رفت ز پیمانه‌ی ما

نشریه‌ی منجی، شروع سال تحصیلی را به همه دانشجویان و علم‌آموزان تبریک می‌گوید. امیدواریم که این علم‌آموزی، در جهت رشد معرفت و کمال انسانی باشد و آینده‌ی زیبا، به دست این جوانان ساخته شود.

هر انسانی در این دنیا، رسالتی دارد. خداوند هیچ مخلوقی را عبث و بیهوده نیافریده است. حال وظیفه ما در این دنیای فانی، این است که رسالت و هدف خلقت خود را بیابیم. دانشگاه فرصتی را در اختیار شما قرار می‌دهد تا بهتر بتوانید مسیر زندگی‌تان را پیدا کنید، خود را بشناسید و در جهت عاقبت به خیری، گام بردارید.

ماهنامه‌ای که پیش رو دارید، سعی کرده است نکاتی را به زبان آورد تا الگوی راه نو دانشجویان و آینده سازان فردا باشد.

روی ماهم حساب کن.

سهیلا رضایی

افراد یاد می‌شد، با نژاد و قومیت و مواردی از این دست جایگزین شده و معنویات در تعبیر و تفسیر بازیچه‌ی دست افراد شده‌اند.

با این حال دلمان خوش است که می‌گذرد و خوش‌تر به آنچه در انتظارمان است:

خرم آن روز که آن دلبر جانان آید

درد هجران رود و چاره و درمان آید

وعده‌ی شیرین ظهور منجی و پایان این شب سیاه، مرهمی بر قلب‌های مالا مال از اندوه فراغمان است و تسلائی بر زخم‌های روحی و روانی‌مان. این وعده‌ی الهی است که روزی منجی حقیقی خواهد آمد؛ چرا که اراده‌ی خداوند بر تحقق این مسئله است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

در این فضای غبارآلود و ظلمانی نقش ما چیست؟ ما کجای این تاریخ هستیم؟ جوان تمدن‌ساز یا عامل مخرب آن؟

روزها از پی هم می‌آیند و می‌روند و هفته‌ها و ماه‌ها در برگ تقویم خط می‌خورند. ثانیه‌ها دیگر برکت زمان قدیم را ندارند و در سپری‌شدن از هم پیشی می‌گیرند تا برگ دیگری از دفتر عمرمان را ورق بزنند. کودکی و نوجوانی‌مان به سرعت برق و باد رفت و اکنون در بهار جوانی به سر می‌بریم. بهار جوانی توأم با چاشنی شیرین دوران تحصیل دانشجویی که قطعاً از آن به عنوان بهترین دوران زندگی‌مان یاد خواهیم کرد. ولی ای کاش چنین ایام و اوقات خوشی را در جهان و اتمسفر بهتری سپری می‌کردیم؛ روزمان با اخبار شیرین و لذت‌بخش آغاز می‌گردید و هر لحظه بر شمار دغدغه‌ها و اضطراب‌ها و دلواپسی‌هایمان افزوده نمی‌شد. جهان ما مملو از بی‌عدالتی، ظلم و تاریکی است، انسانیت رنگ‌باخته و قدرت‌طلبی رواج یافته است، ارزش‌ها جای خود را به هرزگی و ولنگاری داده‌اند و همدلی و هم‌رنگی به فراموشی سپرده شده‌اند. "تقوا" که از آن به عنوان معیار برتری

بایستی بپذیریم که هر یک از ما به عنوان یک رسانه‌ی قدرتمند، تأثیرگذاری بالایی بر افکار و اذهان جامعه‌ی هدفمان داریم که با توسعه‌ی بسترهای مجازی، شاهد گسترش دامنه‌ی این تأثیر و سهولت تبادل آراء و تفکرات هستیم. ولی به راستی چه میزان از ظرفیت موجود را صرف ترویج اندیشه‌های مهدوی می‌کنیم تا به واسطه‌ی آن بتوانیم اندکی از دینی که بر عهده ماست را ادا نماییم؟ به عنوان یک جوان تا چه میزان با معارف مهدویت آشنایی داریم و امام زمان خود را می‌شناسیم؟ چقدر از زمان خود را صرف آماده‌سازی و تهذیب خود و اطرافیان برای سربازی در رکاب آن حضرت می‌نماییم؟

اینها سؤالاتی هستند که بی‌پاسخ ماندن‌شان بهتر است؛ چرا که جوابی جز شرمندگی و شرمساری نخواهند داشت. آری به یقین که مهدی زهرا مظلوم‌ترین فرد در بین ماست، چرا که فاصله‌ی عمیقی در بین ما ایجاد شده و فراموشی سنگینی بر ما مستولی شده است. بی‌وفایی شیعیان نسبت به امام‌زمان باعث طولانی‌شدن غیبت شده است و غیبت آن حضرت ثمره‌ی کارهای ناشایست و عدم همدلی ماست، چه بسا اگر همدلی در بین شیعیان وجود داشت مبارکی دیدار امام برایشان به تأخیر نمی‌افتاد.

آیا راهی برای برون‌رفت از این شرایط وجود دارد؟ آیا این امکان وجود دارد که با زمینه‌سازی مناسب به ظهور حضرت حجت سرعت ببخشیم؟

پاسخ به این سؤال وابستگی زیادی به دیدگاه اعتقادی و پایه‌های فرهنگی و فکری هر فرد دارد، ولی در منابع و متون مهدویت بر نقش مؤثر شیعیان در راستای زمینه‌سازی برای ظهور منجی تأکید فراوان شده است. همان‌گونه که در زمان سایر ائمه شیعیان وظایفی را بر عهده داشتند، در زمان غیبت و در خصوص امام دوازدهم هم وظایفی بر عهده شیعیان

است که بایستی با اجرا و عمل به آنها گام‌هایی در زمینه‌ی ظهور بردارند.

منتظر واقعی نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد و همواره در حال افزودن به علم و معرفت خود است و خود را آماده‌ی ظهور می‌کند، همان‌گونه که در دعای عهد می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا

منتظر واقعی در بعد عملی چنان معرفتی دارد که غیبت برای او همانند ظهور است. او در شناخت امام زمان خود شک و تردیدی ندارد و همواره به دعوت و تبلیغ مشغول است. از جمله وظایف و اقداماتی که تسهیل‌کننده‌ی امر فرج هستند می‌توان به صبوری در فراق یار و دعا برای تعجیل در ظهور اشاره کرد، همچنین قطع امید از همه جا و همه کس و امید بستن به یگانه مشکل‌گشای جهان در این خصوص توصیه شده است.

در این آغازین روزهای سال تحصیلی جدید با مولای خود عهد ببندیم که هر صبح و شام به یاد آن یار سفرکرده باشیم و ایمان و یقین داشته باشیم که اعمال و رفتار و گفتارمان در هر لحظه بر امامان عرضه می‌شود و ایشان شاهد و ناظر بر عملکرد ماست. حواسمان باشد که ناخواسته موجب تکدر خاطر مبارکشان نشویم و امیدشان از ما ناامید نشود. برای آمدنشان دعا کنیم و با ندبه از درگاه حق امام خود را طلب نماییم. ما از کودکی در مکتب عشق اهل بیت بزرگ شده ایم و زیر سایه‌ی ولایت برحقشان قد کشیده ایم. مولا جان عهد می‌بندیم که سربازت باشیم و تا آخرین قطره‌ی خونمان در مسیرت جانبازی کنیم؛ پس روی ما هم حساب کن...



آیا من نیز در روزگار آدمت هستم؟

سهیلا محمدی دوست

منابع و روایات دینی است. باورمندان ظهور، نسبت به امام خود شناخت دارند، از زندگی ایشان آگاهند و همیشه به دنبال کسب معرفت نسبت به ایشانند، و بدین سبب به واسطه‌ی جهل و دروغ گمراه نمی‌شوند. در طول تاریخ بسیاری کسانی که در مورد ظهور سخن رانده‌اند. آنان اعتقاد دارند که اگرچه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت و ازدیده‌ها پنهان هستند، اما ایشان در بین ما حاضرند، از حال و روزگار ما آگاهند، در فکر به ما به سر می‌برند و غیبت ایشان به معنای عدم ظهور است نه در معنای عدم حضور. منتظران ظهور شبهه شناسند و در طول غیبت ولی عصر در برابر امواج شبهات، به واسطه‌ی شک و تردید، به عقاید خود آسیبی نمی‌زنند و شبهه‌ها را نمی‌پذیرند، چرا که کم نیستند کسانی که ادعای باورمندی به ولایت امام را دارند و در عمل گمراه‌اند. منتظران حقیقی عدالت را بسیار می‌پسندند و در رفتار خود نیز حواس جمع هستند که مبادا به کسی ظلمی روا بدارند؛ آنان نه اهل ظلم هستند و نه اجازه

یکی از شروط واضح و روشن ظهور منجی عالم، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، و تابیدن نور رحمت و نعمت الهی بر سیاهی ظلم و ستم دنیا، حضور یاران و منتظرانی است که در راه انتظار و مدد به ولی عصر، در دل خود نیت و محبت خالص پیورانند و در راه عمل نیز رفتارشان آینه‌ی تمام نمای دین و ایمانشان، اراده و نیت قلبیشان و اعتقاد راسخشان به امام زمان باشد. شناخت و آشنایی با مشخصه‌های یاران و منتظران حضرت سبب می‌شود این ملاک‌ها همواره در گوشه‌ای از ذهنمان حضور داشته باشند و در هر زمان و هر موقعیت تلاش کنیم خود را به آنها نزدیک سازیم، تا روزی که دیدار یار غایب میسر شود، دنیا روی خوش ببیند و در پایان، عزت و پاداش الهی ما در آخرت تضمین شود.

نخست باید دانست که اولین ویژگی عقیدتی، باورمندی و اعتقاد برخاسته از دل، یا به نوعی ایمان نسبت به ظهور ذریه‌ی پیامبر خدا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با ویژگی‌ها و مشخصات آورده شده در

محرمات پایبند و کوشا هستند، در برابر خلق خدا خدمتگزار و مهربانند و در عبادت کم نمی گذارند، فروتن هستند و در نیکی به مردم تواضع دارند، کسی را نمی آزارند و پاداش کارهای خود را از خدا می خواهند و به نوعی جلوه‌ی حق در زمین هستند.

امام صادق علیه السلام در توصیف مهدی باوران می فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنَ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ «کسی که مایل است جزو یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف قرار گیرد، باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و اخلاق نیکو توأم شود.»

آنان آماده‌اند، و روز به روز بر آمادگی خود می افزایند. تنها ادعای انتظار نمی کنند و مسئولیت و تکلیف‌های فردی و اجتماعی خود را در راه انتظار انجام می دهند. در هر مکان و هر زمانی، و در هر حال و احوالی، پیوسته به یاد بقیه الله، مهدی منجی عجل الله تعالی فرجه الشريف هستند؛ یادی از ایشان می کنند، نامشان را بر زبان می آورند، سلامی بر ایشان می دهند، در دوری از ایشان دلتنگی می کنند و برای سلامتی و تعجیل در ظهورشان دست به دعا می شوند و می دانند که این‌ها همه مسبب شادی مولایشان است.

در نتیجه منتظر واقعی در جهت یاری به امام عدالت گسترخود، باید در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و عبادی خود، با توکل بر خدا، توسل بر ائمه و الگو قرار دادن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، رفتار درست و نیکو را در پیش بگیرند، از راه مستقیم منحرف نشوند و از لغزش دوری کنند.

به امید روزی که چشم بر رخ منجی عالم گشوده شود، منتظران به محبوب خود برسند و جهانیان از شادی حضور لطف و عدالت الهی در رخت انسانی برزمین، در آسودگی و زیبایی و امنیت شکر خداوند را به جا آورند.

می دهند بی عدالتی و ستم گسترش پیدا کند. این افراد به خوبی می دانند که بی عدالتی در دنیا نشانه‌ای برای ظهور است، نه علتی برای آن.

منتظران واقعی در کنار تمام خصوصیات ذکر شده، محبت و ارادت پاک خود را نسبت به امامشان در دل می پرورانند و از سر مهری که دارند دائماً در انتظار ظهور قائم آل محمد هستند.

ما باید نسبت به شناخت نسبت به امام زمان بازنگری داشته باشیم؛ زیرا به هر میزان که شناخت نسبت به مولا بیشتر باشد، محبت و دلدادگی باورمندان نسبت به ایشان بیشتر خواهد بود. هر کس که به شخصی علاقه‌ی بسیار بورزد، یاد و خاطر محبوب همیشه در دل و ذهن اوست. پس منتظران در هر لحظه چشم به راهند، اما زمان معینی را برای ظهور تعیین نمی کنند. آنان پس از بنا کردن بنیان فکری خود، در میدان عمل تلاش بر این دارند تا جایی که می توانند در رفتارهایشان به معیارهای دینی نزدیک بمانند تا زمینه‌ی ظهور فراهم شود.

منتظران واقعی حتی در رفتارهای کوچک خود، ارادت و انتظارشان را نسبت به حضرت درکمال ادب نشان می دهند. مثل زمانی که نام ایشان را می شنوند؛ پس دوستدارانشان به رسم ادب برمی خیزند، بر ایشان سلام می دهند و درخواست تعجیل در فرج می کنند و بدین گونه مشمول نگاه و توجه پر لطف مولایشان می شوند.

به طور کلی چه رفتارهای کوچک و چه بزرگ، همه‌ی کردار منتظران نشانی است از سبک زندگی مهدوی پسند؛ الگویشان ولیشان و معصومین هستند و در تلاشند تا رفتارهایشان را تا حد امکان به رفتار آنان نزدیک کنند. آنان سعی می کنند ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند، اهل پارسایی اند و حلال و حرام برایشان اهمیت بسیار دارند، در انجام واجبات و دوری از

کتابی که باید بخوانیم

فاطمه محمدنیا

صرفاً صبر برای وقوع یک اتفاق نیست، بلکه به معنای تحولی درونی و شناخت جدیدی از خود و جهان پیرامونش است.

سیر داستان با نگاهی به فلسفه‌ی انتظار برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه است. انتظار در اینجا تنها یک حالت ایستا نیست، بلکه یک حرکت پویا و تحول درونی است که فرد را به سفری روحانی می‌برد. شخصیت اصلی داستان به نوعی نماینده‌ی همه‌ی انسان‌هایی است که در زندگی با نوعی بلا تکلیفی و انتظار مواجه‌اند، انتظاری که گاه با تردید و ناامیدی همراه می‌شود.

در این کتاب، سید مهدی شجاعی به شیوه‌ای خلاقانه و نوآورانه به موضوع ظهور و انتظار پرداخته است. برخلاف بسیاری از آثار که این موضوع را تنها از زاویه مذهبی بررسی می‌کنند، «کمی دیرتر» به انتظار

کتاب «کمی دیرتر» نوشته‌ی سید مهدی شجاعی یکی از آثار برجسته و جذاب ادبیات معاصر فارسی است که به موضوعی کاملاً ویژه و مهم پرداخته است. این کتاب که در سبک داستانی نوشته شده، با زبانی روان و تأثیرگذار، به دغدغه‌ها و چالش‌های روحی و اعتقادی انسان امروز در مواجهه با زمان، انتظار و فلسفه‌ی ظهور می‌پردازد. اگرچه این کتاب در نگاه اول یک رمان ساده به نظر می‌رسد، اما با لایه‌های عمیق فکری و مفهومی خود، به نوعی اثری فلسفی-معنوی به شمار می‌آید.

«کمی دیرتر» داستان مردی را روایت می‌کند که در برزخی از انتظارات قرار دارد. او که منتظر فرد یا اتفاق خاصی است، در طول داستان با بحران‌های درونی و پرسش‌های متعددی مواجه می‌شود. شخصیت اصلی داستان به تدریج درک می‌کند که این انتظار

به عنوان یک مفهوم انسانی و جهانی می‌پردازد. انتظاری که می‌تواند هم در سطح اعتقادی و هم در سطح فردی و انسانی تفسیر شود.

یکی از نکات برجسته در این کتاب، نگاه عمیق و فلسفی به مفهوم زمان و تأثیر آن بر زندگی انسان است. زمان در این داستان نه تنها به عنوان یک عنصر بیرونی، بلکه به عنوان یک مؤلفه‌ی درونی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. شجاعی با بهره‌گیری از این مفهوم، به خواننده نشان می‌دهد که چگونه گذر زمان و انتظار می‌تواند زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و او را به درکی جدید از خود و محیط پیرامونش برساند.

شخصیت اصلی داستان، که نامش در طول کتاب به‌طور مشخص ذکر نمی‌شود، نماد نوعی انسان جستجوگر است. او کسی است که از واقعیت‌های سطحی زندگی فراتر می‌رود و به دنبال معنایی عمیق‌تر برای هستی و زندگی خویش است. شخصیت او به گونه‌ای طراحی شده که ما به عنوان خواننده بتوانیم با او همذات‌پنداری کنیم و تجربیات او را به عنوان تجربه‌های خودمان بپذیریم.

این شخصیت در طول داستان با افراد و موقعیت‌های مختلفی مواجه می‌شود که هر کدام به نحوی او را به تفکر و بازنگری در اعتقادات و انتظاراتش وادار می‌کنند. به همین دلیل، «کمی دیرتر» تنها داستان یک فرد نیست؛ بلکه داستانی جمعی است که بسیاری از انسان‌ها می‌توانند خود را در آن بیابند. سید مهدی شجاعی در «کمی دیرتر» از سبکی روایی و ساده استفاده کرده که در عین سادگی، سرشار از عمق و احساس است. زبان کتاب بسیار روان و صمیمی است و همین امر باعث می‌شود که مخاطب به راحتی با داستان ارتباط برقرار کند. با این حال، در پس این زبان ساده، مفاهیم و نکاتی عمیق

و فلسفی نهفته است که نیاز به تأمل بیشتری دارد. نکته‌ی جالب در این کتاب، استفاده از دیالوگ‌های کوتاه و مؤثر است. شجاعی با مهارت فراوان از گفت‌وگوهای کوتاه میان شخصیت‌ها برای انتقال پیام‌های عمیق استفاده می‌کند. این دیالوگ‌ها گاهی به شکلی استعاری و فلسفی بیان می‌شوند و به خواننده امکان می‌دهند تا خود به معنای آنها پی ببرند.

«کمی دیرتر» به نوعی بازتابی از زندگی انسان امروز است. انسان‌هایی که در دنیای پرشتاب و پر آشوب امروز، همواره منتظر وقوع یک اتفاق بزرگ یا تحول عمیق در زندگی خود هستند. این انتظار ممکن است به شکل‌های مختلفی بروز کند؛ انتظار برای رسیدن به خوشبختی، آرامش، موفقیت یا حتی انتظار برای ظهور یک منجی که مشکلات جهان را حل کند. شجاعی به زیبایی نشان می‌دهد که این انتظار، اگرچه ممکن است گاه ناامیدکننده و طولانی باشد، اما می‌تواند فرصتی برای رشد درونی و تغییرات مثبت باشد.

کتاب همچنین به خواننده یادآوری می‌کند که گاهی اوقات آنچه که ما در انتظارش هستیم، «کمی دیرتر» از آنچه چشم به راهش هستیم اتفاق می‌افتد. اما همین تأخیر می‌تواند معنایی عمیق‌تر داشته باشد و ما را به درکی بالاتر از زندگی برساند.

این کتاب یکی از آثاری است که با هر بار خواندن آن، مفاهیم جدیدی برای مخاطب روشن می‌شود. چنین کتابی نه تنها از نظر ادبی ارزشمند است، بلکه به عنوان یک اثر فلسفی-معنوی نیز می‌تواند مخاطبان خود را به تفکر وادار کند. شجاعی با قلم شیوای خود توانسته اثری خلق کند که همزمان ساده و پیچیده، روایی و فلسفی باشد.

مشکوه

علی یگانه نسب

به خورد ما می رود تا مجالی برای اندیشیدن نیابیم. این وسط، نقش جوان دانشجوی ایرانی چیست؟ جوانی که خود را چند سال به زحمت درس خواندن انداخته تا راهی دانشگاه شود و به گمانش تمام گمشده‌ها را می‌توان وسط این چند ترم پیدا کرد، اما چشم باز می‌کند و لابلای جزوه‌هایی که به خاطر خوابگاهی بودن یا خواب ماندن کلاس‌های اول صبح یا خاطرخواهی این و آن نصفه نیمه نوشته، دست و پا می‌زند. آیا می‌توان از آدمی که از وظایف حداقلی دانشجویی بازمانده توقع داشت یک تنه و با دست خالی به جنگ دنیایی که از او می‌خواهد "ایمان و اندیشه را زمین بگذارد و در تنوع من غوطه‌ور شو" برود؟ یقیناً خیر!

مهم‌جور عصر ما ایمان و اندیشه است. دلیل این ادعا انسانی است که نمی‌اندیشد و عقل و ادراک خود را به اقطاب رسانه می‌سپارد، انسانی که من و شما یکی از تکه‌های بدن او هستیم و چه بد که سرانجامی جز سرگردانی نداریم. انسانی که درگیر سونامی شکاف نسلی شد و قربانی ورق خوردن سریع فناوری‌ها؛ انسانی که خط‌های آرام روی کاغذ سفید را از او گرفتند و به دست و گوش و زبان‌ش دیتاهای چندگانه دادند. حقیقت اینکه این تنوع و دگرگونی زندگی و ارتباطات، اگرچه روزگار امروزمان را خوشگل‌تر کرده، اما دشمن نخست اندیشیدنمان به شمار می‌آید... به بیان ساده‌تر هرروز محتواها ساندویچی می‌شود، از هزاران فیلتر می‌گذرد و حتی با وارونه شدن حقیقت

الحق وظیفه دانشجوی امروز هم سخت است. نه مانند چهار پنج دهه قبل در نزاع‌های دانشجویی حق و باطل برایش عیان است نه مانند دو سه دهه پیش نماینده اصالت علم محسوب می‌شود. یک جوان سردرگم، وسط آشوب‌هایی که هرروز آپدیت می‌شود و بدون تعارف متولد دوران دل بستن‌ها و رها کردن‌هاست. ایمانش به نازکی مورسیده و افکارش به پریشانی کلاف‌هزارپیچ! اما اگر تربیت یافته مکتب شیعه باشد به او از کودکی یاد داده‌اند که هرگاه راه را گم کرد، هر جا کم آورد و نتوانست پریشانی‌ها را جمع کند، به ایمان قلبش رجوع کند.

ایمان تنها ابزاری است که هیچ رسانه‌ای حریف برنده‌ی آن نمی‌شود، آدم را از دل‌بستن‌های بی‌رنگ امان می‌دهد و اندیشه را تا مغز استخوانش می‌رساند. شاید زیباترین هدف برای جوان مسلمان دانشجوی هم همین است: تبدیل شدن به انسانی مومن، اندیشمند و آزاد. انسان که امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: "مؤمن از کوه استوارتر است. از کوه کم می‌شود اما به هیچ وجه از دین مومن چیزی کم نمی‌شود."

انسانی که قلبی ایمن و ایمانی مطمئن دارد و با هر وزش بادِ تردیدی دچار تزلزل نمی‌شود. انسانی که "لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَاهْلُهُ" را می‌جوید و جز خدا و ولی خدا به هیچ کس رو نمی‌آورد. چنین انسانی با خداوند رابطه‌ای نزدیک دارد و طبق وعده‌ی امام معصوم هرگاه رابطه فرد با خالق اصلاح شود، خداوند نیز رابطه او با دیگران را اصلاح می‌کند و آنگاه که روابطمان

با دیگران اصلاح شود نه نگران آسیب و گزندشان هستیم، نه حرص به دست آوردنشان را داریم. این یعنی قلبی مطمئن و ایمانی قوی. بدیهی است که وقتی قلب آرام شود اندیشه نیز سیال و آزاد خواهد بود؛ انسان در جستجوی اندیشه معنا پیدا می‌کند و ایمان نقطه آغاز زندگی معنادار اوست.

حال یکبار دیگر اصلِ سوال را مرور کنیم؛ نقش دانشجوی جوان وسط آشوب‌های ریز و درشتی که قلب او را تسخیر و افکارش را تضعیف کرده چیست؟ قطعاً افزایش ایمان است و بدانیم آنچه امام منتظر از ما می‌خواهد نیز همین است. وقتی می‌آید و تکیه به دیوار کعبه می‌زند، وقتی فریاد انا لمهدی سر می‌دهد، تنها دل‌های باایمان دعوتش را لبیک می‌گویند و غافلان در صف دشمنانش قرار می‌گیرند!

سال‌های دانشجویی، سال‌های تغییر است و چه نیک‌بخت هستند آن‌هایی که در پس این تغییر مانند کوه بر سرایمان خویش می‌ایستند. انسان باایمان در سیاست، اجتماع، اقتصاد، کسب دانش و کسب و کار اهل یقین است. راه را روشن می‌بیند چون به راهنمای خود ایمان دارد....

یادتان باشد، آدم وسط تغییر رشد می‌کند و دوران دانشجویی برای خیلی از ما تغییرِ مهم زندگی است... این تغییر و رشد را در مسیر ایمان به حجت خدا خرج کنید، شاید شما آخرین نسل دانشجویان عصر غیبت حجت خدا بودید!

نغمه‌های بیداری

بهار آشکار

رسانه‌ها و آماده‌سازی جهان برای طلوع خورشید عدالت

در طول تاریخ، رسانه‌ها همواره نقش بزرگی در هدایت افکار عمومی و آماده‌سازی بشریت برای تحولات عظیم اجتماعی و معنوی داشته‌اند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین منجی بشر، بر اساس آموزه‌های دینی وارث انبیا و پیام‌آور عدالت جهانی است و ظهور ایشان نیازمند تمهیدات فرهنگی و رسانه‌ای است. در اسلام، پیامبر اکرم (ص) با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای دوران خود، از جمله خطابه و نامه‌نگاری، پیام دین را به جهانیان رساند. این تلاش‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌ها اگر در مسیر درست هدایت شوند، می‌توانند تأثیر عمیقی بر رشد و گسترش ارزش‌های اخلاقی و دینی داشته باشند. از دوران باستان تا امروز، رسانه‌ها همواره یکی از ابزارهای مؤثر در تربیت اجتماعی و فردی انسان‌ها بوده‌اند. در گذشته، رسانه‌ها به شکل‌هایی ابتدایی مانند خطابه

و شعر وجود داشتند؛ اما امروز، با پیشرفت فناوری، ابزارهای رسانه‌ای نظیر تلویزیون، رادیو، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جایگزین این روش‌ها شده‌اند. این ابزارها قدرت بیشتری برای انتقال پیام‌ها به سراسر جهان دارند. رسانه‌ها نه تنها در اطلاع‌رسانی، بلکه در شکل‌دهی به افکار عمومی و حتی تغییر باورهای افراد نیز نقش دارند. برای مثال، بسیاری از ارزش‌های دینی و فرهنگی با کمک رسانه‌ها به نسل‌های بعدی منتقل شده است. بنابراین، اگر رسانه‌ها به درستی هدایت شوند، می‌توانند تأثیر بسزایی در آماده‌سازی جهان برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشند. یکی از چالش‌های اصلی که رسانه‌ها با آن روبرو هستند، محتوای ناسالم و تهاجمات فرهنگی است. رسانه‌های غربی با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، فردگرایی و بی‌اخلاقی، سعی دارند تا جوامع دیگر را از ارزش‌های سنتی و دینی خود دور کنند. این تهاجم فرهنگی باعث شده است که بسیاری از ارزش‌های

بنابراین، استفاده از این ابزارها در جهت تبلیغ و ترویج معارف دینی و مهدوی اهمیت ویژه‌ای دارد.

رسانه‌ها در دوران قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وظایف سنگینی بر عهده دارند. از جمله این وظایف می‌توان به ترویج فرهنگ انتظار، افزایش آگاهی عمومی و مقابله با تهاجمات فرهنگی اشاره کرد. رسانه‌ها باید با تولید محتوای آموزشی و فرهنگی، مردم را برای ظهور امام آماده کنند. این محتوا می‌تواند شامل آموزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی باشد که افراد را به سمت زندگی بهتر و معنوی تر سوق دهد. علاوه بر این، آنها باید اطلاعات دقیق و علمی درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقش ایشان در اصلاح جهان ارائه دهند. این اطلاعات باید به گونه‌ای باشند که حتی غیرمسلمانان نیز به اهمیت این موضوع پی ببرند. رسانه‌های اسلامی باید با تولید محتواهای سالم و آموزنده، در برابر تهاجمات فرهنگی غربی مقاومت کنند و به تقویت هویت دینی و فرهنگی جوامع اسلامی بپردازند. البته در این مسیر رسانه‌های اسلامی با چالش‌های مختلفی مواجه‌اند که برخی از آنها شامل محدودیت‌های مالی، کمبود نیروی انسانی ماهر و فشارهای سیاسی است. برای موفقیت در عرصه‌ی تبلیغ و ترویج معارف دینی، این رسانه‌ها باید بتوانند از منابع مالی و انسانی خود به بهترین شکل استفاده کنند. همچنین، رسانه‌های اسلامی باید به جای تمرکز بر اختلافات مذهبی و سیاسی، بر نقاط اشتراک مسلمانان و اصول مشترک

اخلاقی در جوامع اسلامی به چالش کشیده شوند. از سوی دیگر، برخی رسانه‌های اسلامی نیز به دلیل محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی قادر به مقابله‌ی مؤثر با این جریان‌های فکری نیستند. برای مثال، سانسورهای سیاسی و کنترل‌های دولتی در بسیاری از کشورها مانع از انتشار پیام‌های صادقانه و روشنگرانه شده است؛ بنابراین، نیاز به بازنگری در استراتژی‌های رسانه‌ای اسلامی و تقویت آن‌ها برای مقابله با این تهاجمات فرهنگی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. از آنجا که از منظر دینی، انتظار برای ظهور یک آموزه‌ی اساسی در اعتقادات اسلامی است، رسانه‌ها می‌توانند با ترویج فرهنگ انتظار، جامعه را برای ظهور ایشان آماده کنند. این آمادگی شامل افزایش آگاهی دینی، تقویت ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایجاد زمینه‌های لازم برای اصلاحات اجتماعی است.

رسانه‌ها باید از ابزارهای مدرن مانند فیلم، سریال، کتاب و شبکه‌های اجتماعی برای انتشار معارف مهدوی استفاده کنند. تولید محتوای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و مهدوی می‌تواند تأثیر زیادی بر افکار عمومی داشته باشند. این نوع محتوا، اگر به درستی تولید و ارائه شود، می‌تواند نه تنها مسلمانان، بلکه غیرمسلمانان را نیز با مفهوم منجی آخرالزمان آشنا کند. رسانه‌ها با این حجم گسترده از دسترسی، قادرند تا به سرعت اطلاعات را منتشر کرده و بر رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد تأثیر بگذارند.

نقش حیاتی در آماده‌سازی جهان برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند و می‌توانند با ترویج فرهنگ انتظار، تقویت هویت دینی و مقابله با تهاجمات فرهنگی، جامعه را برای پذیرش منجی و اصلاح‌گر جهانی آماده کنند.

دین اسلام تأکید کنند. برای تقویت رسانه‌های اسلامی و تأثیرگذاری بیشتر آن‌ها در ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت، پیشنهاد می‌گردد که رسانه‌های اسلامی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تربیت نیروی انسانی ماهر، سرمایه‌گذاری در تولید محتوا و همکاری با نهادهای بین‌المللی به تقویت نقش خود در این زمینه بپردازند و پیام‌های الهی و مهدوی را به جهانیان برسانند. آنها باید با بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های خود را به مخاطبان گسترده‌تری انتقال دهند که قطعاً برای تولید محتوای کیفی مؤثر، نیاز به تربیت نیروی انسانی متخصص دارند تا بتوانند پیام‌های دینی را به شکلی جذاب و قابل فهم برای عموم مردم ارائه دهند. آنها باید با سرمایه‌گذاری در تولید محتوای فرهنگی و آموزشی، محتوای خود را به‌روز کرده و آن را در قالب‌های جذاب و جدید ارائه کنند. این محتوا می‌تواند شامل فیلم، سریال، برنامه‌های تلویزیونی و حتی بازی‌های رایانه‌ای باشد.

مهمترین و آخرین مورد این است که رسانه‌های اسلامی می‌توانند با همکاری با نهادهای بین‌المللی، پیام‌های دینی و فرهنگی خود را به مخاطبان جهانی ارائه دهند و از این طریق برای تبلیغ آموزه‌های دینی خود بهره‌برداری کنند. به طور کلی رسانه‌ها به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای ارتباطی در جامعه،

منجی

منجی منتظر من و توست.

منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم.

راه ارتباطی با مدیر مسئول نشریه:

@monji_entezar

@kanoon_entezar_esf

